

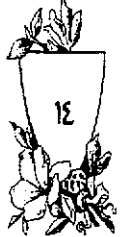
## نگاهی به شخصیت زن در قرآن

قنبرعلی صمدی

### درآمد سخن

پیام یاسین

سال پنجم شماره (۱۰) پاییز ۸۵



۴۲۱۴

یکی از موضوعات مهم مطرح در حوزه انسان شناسی، شناخت ویژگی ها و تفاوت های شخصیتی «زن و مرد» است. این موضوع با توجه به اهمیت و تأثیرات گسترده آن در تعیین روابط زن و مرد و قلمروهای حقوقی هر کدام، از دیر زمانی است که در مورد دو جنس مرد و زن، مورد توجه بوده است. از نظر تاریخی، این بحث، نوعاً با نگرش افراط و تفریط بدان نگرسته شده است و تبعات منفی فراوانی را نیز در پی داشته است.

در این میان جامعه افغانستانی، به دلیل ضعف آگاهی های عمومی مخصوصاً قشر زنان نسبت به حقوق و جایگاه خود از یکسو، فرهنگ مرد سالارانه غالب بر فضای فکری جامعه سنتی افغانی، از سوی دیگر، موجب شده است که نگرش تفریطی نسبت به شخصیت زن و حقوق وی، در میان مردم افغانستان شدیداً رواج و گسترش پیدا کند. قیمت گذاری دختران، شرط گذاری و مورد برد و باخت قرار دادن آنان و... (که متأسفانه حتی در دوران کنونی نیز نمونه های آن را می توان یافت) شاهد گویای تحقیر شخصیت زن و نگرش متاع گرایانه ای است که در شکل بسیار ظالمانه، تاکنون دامن گیر جامعه ما بوده است بگونه که اساساً تکریم زنان، بنا به باور های نابخردانه عرف حاکم، یک امری قبیح تلقی شده و زن دوستی یک گناه نا بخشودنی پنداشته می شود. بدتر از همه، پذیرش این باور غلط یعنی؛ حقارت زن نسبت به جنس مرد در جامعه شدیداً سنتی افغانی است و در

بسیاری موارد حتی از سوی خود زنان نیز چنین احساس برابری و تعامل با زن، یک نوع عیب و نقیصه محسوب می شود.

از نظر پیشینه تاریخی نیز سرگذشت زن، نه تنها سابقه روشنی ندارد بلکه نگاه منفی همراه با ستم تاریخی نسبت به جنس زن در گذشته، به قدری طولانی، ریشه دار و عمیق است که تاریخ غمباری را برای زنان پدید



آورد است. در گذشته های دور، زنان نه تنها حقیر و فاقد شخصیت تلقی می شده است بلکه نسبت به زن به عنوان یک موجود بی ارزش که صرفاً یک نوع کالای مصرفی برای مرد است، نگریسته می شده است و وی را همچون چهارپایان خرید و فروش نموده و به یکدیگر هدیه می داده اند. حرم سراها و دربار شاهان را صفوفی از مجموعه

زنان بی مصرف تشکیل می دادند، اربابان و پولداران معمولاً زنان را به عنوان تحفه می پذیرفتند و یا به دیگری بذل می نمودند و با وجود تحولات تدریجی فکری فرهنگی جامعه بشری، متأسفانه دیده می شود که این ستم نا بخشودنی تاریخی نسبت به زنان، همچنان تداوم پیدا کرده است تا جای که حتی در جامعه ظاهر ادینی یهود و مسیحیت نیز، موقعیت زن نادیده انگاشته شده و زن به عنوان موجودی دست دوم و زائده مرد، معرفی می گردد.

با این وصف، معلوم می شود که از نظر تاریخی از قدیمی ترین زمان تا کنون، زن یا هدف بوده و یا وسیله و

همواره حق حیات و تصمیم گیری از او سلب شده است.

این رویکرد تاریخی همراه با تلقی های غلط و منفی نسبت به زنان در جوامع مرد سالار، باعث شده است که حتی برای بسیاری از زنان دور نمای منزلت وی و اینکه زن در برابر مرد، از چه جایگاه و موقعیتی برخوردار است؟ تاریک و مبهم باشد.

این بحث به دلیل اهمیت و پیامدهای گسترده آن از یکسو، نگرش تفریطی و زن ستیزانه تاریخی نسبت به قشر زنان از سوی دیگر، رویکرد افراطی زن سالارانه با پیدایش پدیده «فمینیسم» و نهضت تساوی زن و مرد در دوران معاصر، از سوی سوم، موجب شده است که امروزه این بحث به یکی از چالش برانگیزترین مسائل معاصر، تبدیل شود. آنچه در مقام طرح و تبیین این موضوع، بیش از هر چیز ضرورت دارد، نگاه واقعیت‌پسندانه و جامع، نسبت به موضوع زن و مرد و بررسی ابعاد مختلف آن است.

در این رابطه، هر کدام از مکاتب دینی و بشری، دیدگاههای متفاوت و متضادی را ارائه نموده اند که در این میان دیدگاه اسلام به دلیل ویژگی خرد پذیری و جامع نگری خاص آن، کامل ترین و مترقی ترین دیدگاهی است که در این زمینه ارائه شده است.

پرسش اساسی در این جا این است که: نگاه اسلام نسبت به موضوع زن و مرد چگونه است؟ آیا از نظر اسلام زن و مرد از جایگاه و منزلت یکسانی برخوردار است یا اینکه اساساً اسلام میان مرد و زن، تفاوت قائل است؟ و

مقاله

نگاهی به شخصیت زن در قرآن



۴۲۱۴

بالاخره، حدود امتیازات و تفاوت های این دو جنس از نظر اسلام و قرآن چیست؟ و... این ها پرسشهایی است که نوشتار حاضر در صدد بررسی و یافتن پاسخ اجمالی آن است.

آنچه در بحث زن و مرد، اولویت طرح دارد و بیشتر مورد ابتلا و پرسش و سؤال است، شناخت دیدگاه اسلام نسبت به شخصیت زن و نیز مسأله قوامیت مردان بر زنان و بررسی حدود، چگونگی و توجیها ت دینی آن است. از این رو لازم است نگرش اسلام نسبت به این مسأله و آیات قرآنی که ناظر به شخصیت زن و موقعیت وی در رابطه با جنس مرد است، مورد عنایت قرار گیرد.

بدین منظور، نگارنده سعی نموده است در این مقاله کوتاه، این موضوع مهم را صرفاً با رویکرد قرآنی و درنگ در آیات مربوطه، بررسی نموده و نقش احیاگر قرآن در مورد جایگاه زن را بطور گذرا مورد توجه قرار دهد.

## قرآن و احیای هویت زن

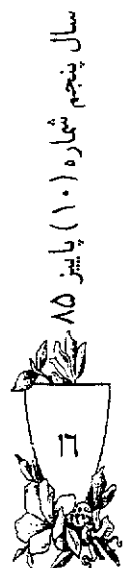
بر اساس متون دینی، مخصوصاً آیات قرآنی، اسلام تصویر روشنی از شخصیت زن و مرد و تفاوت های ناشی از افتضات جنسیتی آن دو، ارائه نموده و برای اولین بار شخصیت لگد مال شده و هویت گم شده زن را احیا نمود. آیات قرآنی اهتمام وافری به حقوق زن نموده و در بیش از ده سوره به مسائل زنان پرداخته و حتی یکی سوه های آن به نام سوره زنان «نساء» نامگذاری شده است.

قرآن با طرح جایگاه خلقت انسان و چگونگی روابط زن و مرد، ضمن بیان حقوق و وظایف هر کدام، زن و مرد را دارای شأن و کرامت و منزلت انسانی یکسانی معرفی نموده و با زدودن غبار مظلومیت و حقارت از چهره زن، ملاحظت و اجر و منزلتی را برای زن قائل شده است که تا قبل از آن هیچ جامعه ای برای او قائل نبوده است و بدین ترتیب قرآن بزرگترین فریادرسی است که زنان را از محجوریت طولانی رها نموده و شخصیت کتمان شده آنان را احیا نموده است.

قرآن، به دلیل آسیب پذیر بودن قشر زنان، تأکیدی زیادی بر حفظ حیثیت و حرمت زن در جامعه و نگهداری آبروی او در خانواده نموده است. بطوریکه هر گونه ادعایی مبنی بر تهمت و حرمت شکنی نسبت به زن را مردود اعلام کرده، این عمل را جرم دانسته و برای آن مجازات قائل می شود. قرآن اعلام می کند که اگر کسی به ناروا به زنان پاکدامن تهمتی را روا بدارد، علاوه بر مجازات بدنی، شهادت او را مردود و بی ارزش اعلام کرده و لقب فاسق را به او می دهد.

۴۲۱۴

از این نظر حتی قرآن برای قسم زن ارزشی برابر قسم مرد قائل شده، و بعلاوه، این قسم زن است که مورد پذیرش قرار می گیرد. چنانچه در قرآن می فرماید: والذین یرمون المحصنات ثم لم یاتوا بربعه شهداء فاجلدوهم ثمانین جلد و لا تقبلوا لهم شهاده ابدا و اولئک هم الفاسقون الا الذین تابوا من بعد ذلک واصلحوا فان الله غفور رحیم والذین یرمون ازواجهم و لم یکن لهم شهداء الا انفسهم فشهداه احدھم اربع شھادات بالله انه لمن الصادقین



والخامسه ان لعنت الله عليه ان كان من الكاذبين و يدروا عنها العذاب ان تشهد اربع شهادات بالله انه لمن الكاذبين  
والخامسه ان غضب الله عليها ان كان من الصادقين و لولا فضل الله عليكم ورحمته و ان الله تواب حكيم (نور ۶-۹)  
آنان که که نسبت دهند ناروا به سوی زنان پارسایند و سپس نیاورند چهار تن گواهان، پس بزیندشان هشتاد  
تازیانه و نپذیرید بر ایشان گواهی هیچگاه و آنانند نافرمانان مگر آنان که بازگشتند از این پس و شایستگی گزیدند  
که همانا خداوند آمرزنده و رحیم است. و آنان که خطاب کنند به سوی زنان خود نسبتی را و نباشدشان گواهانی  
جز خویشتن پس چهار مرتبه شهادت و قسم به نام خدا را یاد کنند که البته در این دعوی او از راستگویان است و  
بار پنجم قسم یاد کند لعن خدا بر او باد اگر از دروغگویان است. و دور می کند از زن شکنجه را اگر چنانچه  
گواهی دهد چهار مرتبه و بگوید سوگند بخدا که آن مرد است از دروغگویان و پنجمی آنکه خشم خدا بر او باد  
اگر آن مرد باشد از راستگویان. و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش و آنکه خداوند است توبه پذیر.

براین اساس، چنانچه مردی ادعا کرد که زنش عمل نامشروع انجام داده و مرد چهار مرتبه گواهی دهد زن نیز  
می تواند برای تبرئه خود چهار مرتبه گواهی دهد. بدین ترتیب اعتبار و ارزش قسم زن با مرد برابری می کند و در  
این مورد مساوات را قائل می شود و علاوه براین، قرآن نهایتاً قسم زن را پذیرفته و به آن اکتفا می کند و مسئله را  
بدین نحو حل و فصل می نماید.

قرآن در آیات متعددی، مکرراً از حقوق و منزلت خانوادگی و اجتماعی زن دفاع می کند و با این تأکیدات، قرآن  
شان و منزلت فراموش شده زنی جامعه عرب آن زمان را که همواره مغضوب جامعه بود، اعاده نمود و اساس  
کرامت و خود باوری را به او باز گرداند. از این نظر باید گفت: که جامعه زنان بیش از هر چیزی مدیون اسلام و  
آموزه های قرآنی در احیای شخصیت آنان است.

هم اکنون باید دید که دیدگاه اسلام در را به با جایگاه زن در مقایسه با مرد چیست و تصویر قرآن از  
شخصیت زن چگونه است؟

### زن و مرد، تساوی در شخصیت تفاوت در خلیات

اجمالاً، آنچه از مطالعه آیات قرآن بدست می آید این است که؛ قرآن کریم در مقام طرح جایگاه مرد و زن، «انسان»  
و حیثیت انسانی وی را محور توجه قرار داده و در خطابات کلی خود نیز، قطع نظر از خصوصیت  
جنسیتی زن و مرد، وی را به عنوان «انسان» مورد خطاب و عنایت قرار داده است.

بر اساس بیان قرآن، زن و مرد دارای حقیقت واحد و یکسانی است که آفرینش حقیقی وی بر اساس آن  
حقیقت واحد و مشترک، بنا نهاده شده است و آن حقیقت مشترکی که ماهیت اصلی زن و مرد را شکل میدهد،  
حیثیت انسانی آنان است که در آن هیچ گونه تفاوت و اختلافی میان زن و مرد وجود ندارد. تفاوت های جنسیتی

زن و مرد نیز هرگز نقشی در شخصیت اصیل انسانی آنان ندارد.

۴۲۱۵

مقالاته

نگاهی به شخصیت زن در قرآن



از این رو، به نظر می‌رسد، بهترین شیوه برای طرح و بررسی جایگاه مرد و زن در قرآن این باشد که ما در مقام شناخت شخصیت زن و مرد، آن حیثیت نوعی و انسانی منفک از خصوصیت جنسیتی وی را - که مخاطب عام آیات قرآن است - مورد عنایت قرار دهیم تا بتوانیم در بررسی و ارزیابی شخصیت زن و مرد از دیدگاه اسلام، به یک جمع بندی و قضاوت صحیحی دست یابیم.

از این نظر، چنانچه اشاره شد، قرآن کریم وقتی مسأله زن و مرد را مطرح می‌کند، هرگز از روزنهٔ ذکورت و انوئت، نسبت به شخصیت زن و مرد نگاه نمی‌کنید بلکه وجههٔ انسانی و چهرهٔ مشترک آن دو، مورد توجه است. توضیح مطلب این است که از نظر قرآن، حقیقت انسان روح اوست نه بدن عنصری و مادی او به همین جهت قرآن معیار فضیلت و برتری را صرفاً تقوی و تقرب به خداوند و انجام عمل نیک و شایسته اعلام می‌کند: «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» (حجرات/۱۳) و هرگز عامل جنسیت و نژاد را در تفاضل شخصیت زن و مرد، دخالت نمی‌دهد.

سر مطلب نیز روشن است زیرا قرآن کریم، تنها برای هدایت جنس مرد نازل نشده، بلکه برای هدایت "انسان" آمده است، لذا وقتی هدف اساسی خود را بیان می‌کند، می‌فرماید: «شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدي للناس» (بقره/۱۸۵) کلمهٔ «ناس» که در این آیه بیان شده است، جنس خاصی را در نظر ندارد، بلکه شامل زن و مرد به طور یکسان می‌شود چرا که قرآن کریم برای هدایت روح آدمی است، و روح از آن جهت که موجودی مجرد می‌باشد، نه مذکر است و نه مؤنث زیرا مرد بودن و زن بودن جزء مقوم حقیقت انسان نمی‌باشد. از نظر قرآن زن و مرد دارای یک گوهراند و در آفرینش گوهر وجودی آنان هیچ گونه نابرابری وجود ندارند. «یاایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء...» (نساء/۱) ای مردم تقوا پیشه کنید که شما از نفس واحد خلق شده اید و از آن نفس واحد، همسران را آفریده شده و از آن دو مردان و زنان زیادی پدید آمده است.

پیام پانزدهم

سال پنجم شماره (۱۰) پاییز ۸۵



۸۲۱۴

بیان قرآن در مورد آفرینش زن و مرد، بازتاب اصل توحید است و هیچ گونه نابرابری در گوهر ذات و سرشت زن و مرد قائل نمی‌باشد. قرآن مسیر رشد و تکامل را برای زن و مرد بطور یکسان باز می‌داند و در طی این طریق محدودیتی برای هیچ کدام قائل نمی‌باشد.



براساس این بینش، وقتی خداوند انسان را خلق کرد، دو وجه برای او قائل شد. وجهی از خاک و وجهی از روح خویش، به همین مناسبت انسان می‌توانست در دو قلمرو مادیت و معنویت سیر کند. هر گاه در مسیر مادیت قرار می‌گرفت افقی محدود و متناهی در پیش چشم خود

می‌دید. و هر گاه در مسیر روح خدایی و معنویت قرار می‌گرفت افقی لایتناهی و پایان‌ناپذیر را در جلوی دیدگانش می‌یافت. به همین نسبت، روابط و تعامل انسانی را می‌توان در دو قلمرو مادیت و معنویت تبیین کرد.

هر گاه این روابط بر پایه معنویت برقرار شوند، در حقیقت رفتار و روابط آنها جلوه‌هایی از برابری و عشق را نشان می‌دهند و این نیست جز آنکه جلوه‌ای خداوندی در این روابط برقرار می‌شود. ولی هر گاه این روابط، بر نابرابری، رقابت و خصومت برقرار شود، همانگونه که قرآن بیان کرده است، جز آن نیست که بر ویژگی‌های شیطانی بنا شده‌اند. همچنان که شیطان اولین بار جوهر و ذات خود را با جوهر و ذات آدم ابوالبشر در مقایسه و موازنه‌ای نابرابر به چالش کشاند. مقایسه ذات و جوهر خود با آدم، این اولین رابطه بر معیارهای موازنه‌ای و رقابتی بود که در عالم خلقت رخ می‌داد. که نتیجه‌ای جز رانده شدن شیطان نداشت. چرا که خاصیت این نوع رابطه پایان‌پذیری و حذف یکی از طرفین است.

بنابراین، انسان دارای اندیشه‌ای نامحدود و در نتیجه خواسته‌هایی نامحدود است وقتی روابط زن و مرد را از قلمرو نامحدود به قلمرو محدود جاذبه‌های ظاهری تقلیل می‌دهیم، جز آن نیست که زور را جانشین خرد و آزادی کرده‌ایم. هر گاه افراد در قلمرو مادیت، به تعامل با دیگران پردازند، مدار رابطه را محدود و پایان‌پذیر می‌سازند زیرا وقتی روابط زن و مرد را به روابط تن با تن تقلیل می‌دهیم، چاره نیست که لجام گسیختگی جنسی توجیه کننده این روابط شود. کم نبوده اقوامی که در تاریخ بشر، برای حفظ این روابط و ماندگاری آن دست به چالش و جنگ و خون ریزی بسیار زده‌اند. و کم نبوده‌اند اقوام و جوامعی که در میان عبور اربابه قدرت و زور، زن را در تنگنای جنسیت نابود کرده‌اند. چرا که او صرفاً به عنوان یک ابزار جنسی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گرفت

مقالات

## زن و موضوع قوامیت مرد

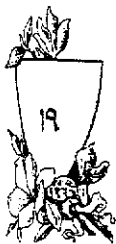
یکی از موضوعات بحث انگیز در مورد زنان که از سوی عناصر مدعی روشنفکری، گاه گاهی مورد بهانه قرار گرفته و طبل نا عادلانه بودن حقوق زن در اسلام را بر در و دیوار می‌کوبند، آیه معروف «الرجال قوامون علی النساء» است. این آیه بدین صورت در سوره نساء بیان شده است. «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم» (نساء/ ۳۴) مردان برپادارندگان زنانند به خاطر فضیلتی که خدا بعضی را بر بعضی دیگر داده و به خاطر نفقه‌ای که از اموالشان می‌دهند.

در این آیه دلیل اینکه مردان برپادارندگان زنانند را دو چیز ذکر نموده است: اول به این دلیل که خداوند بر برتری بعضی بر بعضی قائل شده است. دوم به دلیل بار مسئولیت اقتصادی و به عبارتی پرداخت نفقه‌ای که بر دوش مردانند. در این جا دو سوال مطرح می‌شود:

۱- این که برتری و افضلیت مرد بر زن عام و کلی است؟ به عبارتی آیا تمامی مردان بر تمامی زنان برتری دارند؟ و هر مرد می‌تواند نسبت به زنان علی‌رغم این که همسر او نباشد هم چنان قوامیت یا این‌که هر مرد بر

همسر خود فقط قوام است؟

نگاهی به شخصیت زن در قرآن



۲- این برتری و افضلیت «بما فضل الله بعضهم علی بعض» در چه اموری است؟ به عبارتی از نظر قرآن در تمامی امور مرد بر زن افضلیت دارد یا صرفاً در امور خاصی؟

در ابتدا بهتر است برای رفع بسیاری از شبهاتی که در تعریف واژه «قوامون» صورت گرفته و به معانی و اصطلاحاتی چون سلطه، ریاست، غلبه و چیرگی تعبیر شده، پرداخته شود. قوام به هیچکدام از این معانی نیست و ریشه این واژه «قوم» است که به معنای «برپاداشتن» است. در قرآن بارها و بارها «یقیمون الصلاه» ذکر شده که به معنای برپاداشتن نماز می باشد. در قرآن واژه قوامین در آیه فوق به این شکل تعبیر شده است: «یا ایها الذین



آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله» (مائده/۸) ای کسانی که ایمان آورده اید قیام کنندگانی باشید برای داد و عدالت گواهانی باشید برای خدا. پس قرآن قوامون را به معنای برپاداشتن، به عهده گرفتن و مسئولیت پذیری قلمداد کرده در غیر این صورت، این امکان وجود داشت که از الفاظی چون «مسلطون» و «غالبون» را همچنان که در جاهای دیگر مورد استفاده قرار داده به کار برد. به وضوح پیداست که از واژه برپادارندگی نیز تعبیر فوق برداشت نمی شود. چنانچه در اغلب ترجمه ها، همان واژه برپادارندگی معنا شده است.

در این آیه اولاً: قرآن «قوامیت» را معلول دو عامل می داند، ۱- عامل فضلیت ۲- عامل پرداخت نفقه. این دو عامل جدا از یکدیگر نیستند. لذا تمامی مردان بر تمامی زنان قوامیت ندارند و مردی می تواند قوامیت بر زنی داشته باشد که پرداخت نفقه به عهده اوست که این مرد می تواند همسر یا پدر یا فردی که تحت تکفل وی است باشد. از این جا می توان به مفهوم قوامیت نیز پی برد که علت قوامیت مسئولیت پرداخت هزینه زندگی، اداره و گرداندن امور زندگی و به طور کلی نگهداری زندگی معرفی می کند. این که قرآن اداره کردن زندگی و پرداخت هزینه کرد اقتصاد خانواده و از جمله زن را مثل دادن مهریه و یا هزینه شیردادن و یا پرداخت نفقه را به مرد واگذار می کند، به دلیل توانایی جسمانی و کارکرد او در تامین اقتصاد خانه است.

پیام یاسین

سال پنجم  
شماره (۱۰)  
پیاپی  
۸۵



این ویژگی ای است که خداوند در ادامه آیه می فرماید برخی را بر برخی فضیلت دادیم. استقامت مرد در انجام کارهای سخت و دفاع و نگهداری از خانواده و استقامت مرد در تحمل فشارهای فیزیکی، این برتری و افضلیت را نیز ما همواره، در هر زمان و در هر جغرافیایی، پذیرفته ایم چنانچه در طول تاریخ عمر بشر به ندرت دیده شده که امور سخت و طاقت فرسا را به زن محول کنند. مگر در جایی که زن را به بیگاری و استثمار کشانده باشند و یا در عرصه هایی که جنبه زور آزمائی جسمانی دارد، هیچ جا دیده نشده که زن و مرد در یک جا به چالش و مبارزه دعوت کنند. این افضلیت و تفوق مرد بر زن به دلیل برتری قوای جسمانی از این جهت بر زن برتری دارد. با دیدگاه انسان شناسی که جوهره مرد و زن یکسان است نیز کاملاً منطبق است.

۴۲۱۸

اما در مواردی قرآن برای زن ویژگیهای خاصی را قائل می شود که منجر به تقبل و واگذاری یک نقش می شود و مرد هم نیز چنین موقعیتی را نسبت به زن دارد. در عین این که در بسیاری از فضایل و خصوصیات می توانند پای به پای هم قرار بگیرند. اما در بعضی موارد بر یکدیگر برتری و فضیلت دارند.

این که در چه مواردی در کسب فضایل توانایی برابر دارند و در چه مواردی ندارند، صرفاً به دلایل تفاوتی خاصی است که در هر دو مشاهده می کنیم. این که مردان از قدرت جسمانی بالاتری برخوردار هستند و توان انجام فعالیتهای اقتصادی به واسطه توانایی هایی است که در کار و تولید دارند. و این به دلیل وجود ظرفیت فیزیکی بالاتر است.

نکته درخور توجه که در اینجا قابل طرح است این پرسش است که: آیا می توان از این ویژگی ( قوت جسمانی) این نتیجه را بدست آورد که

اصولاً جنس مردان در داشتن

فضایل اخلاقی، کسب مدارج

فضیلت و پیمودن پله های

پیشرفت، ترقی، رشد، تکامل و

تعالی انسانی نیز، گوی

**. تلقی قرآن از رابطه بین**

سبقت را از زنان می ربایند؟ یا

اینکه در این رقابت

**دو زوج رابطه ای که مبنای**

اساسی، قضیه به عکس اند و یا

هر دو گروه برابراند؟

**رشد و تکامل در مسیر**

این سوآلی است که برای رو

شن شدن پاسخ آن،

**بیکران و نامحدود خداگونه**

باید ببینیم که قرآن کریم در چه

زمینه هایی برای زنان و

**شدن بود.**

مردان تمایز و یا برابری قائل است؟

مردان تمایز و یا برابری قائل است؟

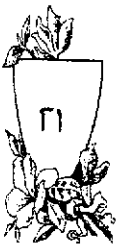
مقالات

## زن و فضایل انسانی

یکی از سوآلات مطرح در مورد زن و مرد این است که آیا زنان و مردان از نظر توانایی کسب فضایل نیز یکسانند یا نه؟ توجه به این که قرآن قوامیت مرد بر زن را به اعتبار این که مسئولیت اقتصادی و تامین زن را به عهده دارد و حق ارث مردان دو برابر زن می باشد «لذکر مثل حظ الاثین» (نساء/۱۱) و نیز جهاد بر مردان را واجب دانسته و از جهتی زنان در برخی از ایام از نماز و روزه معاف می باشند، آیا از این جهات به مقام و منزلت زن و توانایی وی در کسب تقوی خدشه ای وارد می شود یا نه؟

قرآن کریم بر بسیاری ادعاها و شبهاتی خرد ناپذیر در مورد تبعیض علیه زنان، خط بطلان کشیده است. و علت تفاوتی جنسیتی، رنگ، نژاد و قبیله، همه و همه را، راهی برای کسب معرفت و شناسایی قلمداد می کند، و در واقع این تفاوتها را دلیل و بهانه ای برای تفاخر و برتری بر یکدیگر ندانسته، بلکه اعلان می کند که برتری به تقوی است و در کسب آن برای انسانها هیچ استثنایی وجود ندارد. می فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر» (حجرات/۱۳)

نگاهی به شخصیت زن در قرآن



۴۲۱۹



ای مردم همانا خلق کردیم شمارا از زن و مرد و قرار دادیم شما را شاخه‌هایی و تیره‌هایی تا معرفت کسب کنید و شناخته شوید همانا گرمی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست.

این آیه به وضوح روشن می‌سازد که هیچ برتری ذاتی برای مردان نسبت به زنان یا برعکس وجود ندارد. و به طور کلی می‌توانند بعضی بر بعضی دیگر فضیلت داشته باشند و این بعضی شامل مردان و زنان می‌باشد. به عبارتی انسان‌هایی می‌توانند در کسب فضیلت‌ها بر یکدیگر پیشی گیرند و این توانایی و پیشی گرفتن هم شامل مردان می‌باشد و هم زنان.

بر این اساس، قرآن به برابری زن و مرد در کسب فضایل اخلاقی قائل است. و ادعا دارد که زنان پایه پای مردان قادرند تا به درجات متعالی اخلاص و ایمان و تقوی نائل آیند. آن‌ها در کسب فضیلت‌های فردی چون مسلمان بودن، مومن بودن، اطاعت‌پذیری، راستگویی، شکیبایی، خداترس بودن و صدقه دادن، روزه داری، نگهداری نفس، یاد کردن خدا، و نهایتاً عصاره همه این فضایل که تقوی است برابر می‌باشند و هر کدام توانایی دارند تا در این عرصه تلاش کنند و به تعالی و تکامل برسند.



قرآن زن و مرد را در کنار هم مورد خطاب قرار می‌دهد: «ان المسلمین و المسلمات و المومنین و المومنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابیرین و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروجهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیرا و الذاکرات اعد الله لهن مغفره و اجرا کریماء» (احزاب/۳۵) خدا برای مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مومن و زنان مومن و مردان

پیام یاسین

اهل طاعت و زنان اهل طاعت و مردان راستگوی و زنان راستگوی و مردان شکیبا و مردان شکیبا و مردان خداترس و زنان خدا ترس و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و زنان روزه دار و زنان روزه دار و مردان که شرمگاه خویش را حفظ می‌کنند و نیز زنان و مردانی که خدا را زیاد یاد می‌کنند و نیز زنانی که خدا را زیاد یاد می‌کنند آموزش و اجری بزرگ آماده کرده است.

در عرصه روابط اجتماعی و پذیرش مسئولیتهای، نیز قرآن زن را در کنار مرد قرار می‌دهد. در جامعه بدوی و خرافی آن زمان که به زن جز همچون یک شیئی یا کسی که فقط مسئولیت بچه‌داری دارد نمی‌نگرند، قرآن مسئولیتهای سنگینی چون دوستی و سرپرستی، دعوت به معروف و بازداري از منکر، برپاداری نماز و دادن زکات را طرح می‌کند، در عین این که مسئولیت اقتصادی و نفقه زن بر عهده مرد می‌باشد، اما زن مستقلا می‌تواند به دادن زکات اقدام کند. همچنین در اطاعت‌پذیری از خدا و پیغمبر، تفاوتی در زن و مرد قائل نشده و می‌فرماید: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و یطیعون الله ورسوله اولئک سیرحم الله ان الله عزیز حکیم» (توبه/۷۱) مردان مومن و زنان مومنه برخی از ایشان سرپرست و دوست برخی دیگرند، به نیکی فرمان دهند و از زشتی بازدارند، اقامه کننده نماز هستند و

سال پنجم شماره (۱۰) پاییز ۸۵



۴۲۰

زکات می دهند و اطاعت می کنند از خدا و پیامبرش آنان را بزودی رحم کند خدا و هرآینه خداست عزتمند و حکیم است.

بدین ترتیب روشن می شود که در دعوت به معروف و دوری کردن از منکر و نیز برپاداری نماز و دادن زکات و اطاعت از خدا و رسولش و... زن و مرد نقش برابر و یکسانی دارد. از نظر منزلت خانوادگی نیز قرآن، جایگاه زن در خانواده را بسی ارجمند می داند و رابطه زنا شوئی را یک پیمان استوار و محکم می داند. قرآن، مدار رابطه بین مرد و زن را از مادیت خارج و بر مدار معنویت بنا نهاد. تلقی قرآن از رابطه بین دو زوج رابطه ای که مبنای رشد و تکامل در مسیر بیکران و نامحدود خداگونه شدن بود.

می فرماید: «هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها» (اعراف / ۱۸۹) او کسی است که آفرید شما را یک تن قرار داد از او جفتش تا آرامش گیرید بدو.

و نیز می فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه» (روم / ۲۱) و از نشانه های اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید، تا به آنها آرامش بیابید و نهاد میان شما دوستی و رحمت را همانا در این است آیاتی برای گروهی که اندیشه کنند به

مقاله

نگاهی به شخصیت زن در قرآن

عبارتی خدای سبحان فرموده: لتسکنوا الیهایی یعنی تا در

جوار او آرامش یابید و نفرمود (ولتمتعوا) بنابراین زن وسیله ای برای کسب آرامش، دوستی و محبت است. محبت و عشقی که رابطه ای نیرومند و قوی میان زن و شوهر ایجاد می نماید.

از این نظر قرآن زن و مرد را مسئول و نگهبان حفاظت و پوشیدن عیوب می داند، مرد را برای زن لباس و زن را برای مرد لباس قلمداد می کند. رابطه ای برابر که وظیفه ای برای نگهبانی و حراست از یکدیگر دارند و از زن و مرد به عنوان «لباس» تعبیر می کند. «هن لباس لکم و اتم لباس لهن» (بقره / ۱۸۷) و آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها هستید. آن هم لباسی که زشتیها را می پوشاند، لباسی که نقصهای پنهان و آشکار انسان را پنهان تر می کند، لباسی که می تواند معرف شخصیت انسان باشد.

کاربرد کلمه «لباس» در این آیه به معنای یکی شدن و یگانگی است. یعنی زندگی یک زن، زندگی مرد را می پوشاند و در مقابل، مرد نیز زندگی او را می پوشاند. و همین موضوع بالطبع نوعی از پیوند و آمیختگی را حاصل می کند. این خود از جمله عواملی است که علاقه میان آن دو را استوار و پابرجا نگاه می دارد. در جای دیگر از زن به عنوان کشتزار یاد می کند: «نساءکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شتتم» (بقره / ۲۲۳) زنان کشتزارهای شما هستند، پس هر زمانی که می خواهید به کشتزار خود درآید.

۴۲۱

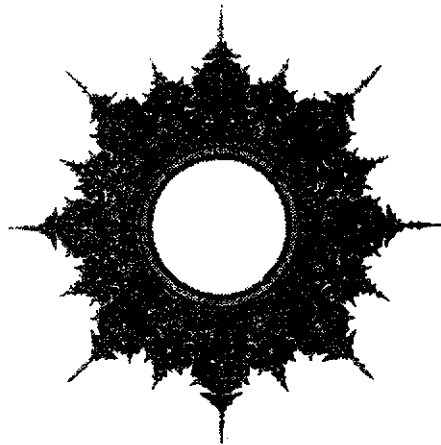
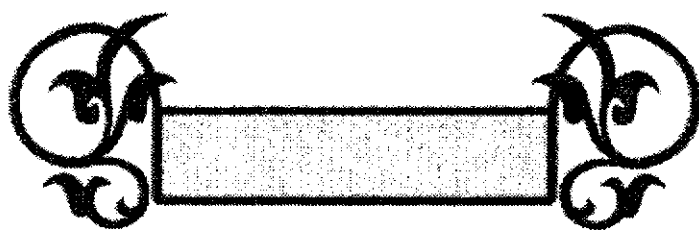


بنابراین همان‌گونه که برای باقی ماندن بذرها و به دست آوردن غذا و دیگر لوازم حیات و همچنین حفظ آن، به مزرعه نیازمند است، برای بقاء نسل و دوام بشر نیز بدون وجود زنان ممکن نیست. این تعبیر علاوه بر تأکید بر نقش محوری زن در شکوفائی حیات، بر جنبه عاطفی و تأثیرات روحی روانی حضور زنان نیز اشاره دارد.

نتیجه اینکه: در بحث از شخصیت شناسی زن، علاوه بر فضای تاریک و ظالمانه نگرش جاهلانه گذشته نسبت به زن بود، قرآن نگرشی دیگری را طرح کرد و چهره درخشان شخصیت زن را از آن مظلومیت تاریخی، رهانید و دریچه‌ای دیگری را بر روی زن گشود، دریچه‌ای لایتناهی که بر محور معنویت بنا نهاده شده است. در فضای قرآن زن الهه و ملکه تسلط است. همانطور که خداوند شب را برای آرامش خلق کرد، زن و مرد نیز محل آرامش یکدیگرند و مبنای رابطه زن و مرد نیز بر اساس امنیت و آسایش و رحمانیت قرار داده شده است که در این میان قرآن مخصوصاً بر نقش تسکین دهنده زن و جایگاه منحصر بفرد وی در خانواده تأکید دارد.

آنچه بیان شد، صرفاً در حد اشاره و نگاه اجمالی به موضوع بود، بدیهی است که بحث تفصیلی در این رابطه، مستلزم بررسی جنبه‌های مختلف این موضوع است که در جای خود به فرصت و تأمل بیشتری نیاز دارد.

در اینجا ناگزیر، بنا بر اختصار، این مقاله را به پایان می‌بریم و پرداختن به سایر مسائل بحث انگیز زن جماعت نظیر: تفاوت‌های فقهی و حقوقی زن و مرد در مسائل؛ ارث، ادا شهادت، حق حضانت، حق طلاق، جهاد، قضاوت، تصدی مقام مرجعیت و رهبری و... را به فرصت دیگر و شماره‌های بعدی فصلنامه، موکول می‌نمایم.



۴۲۲۲

پیام یاسین

سال پنجم شماره (۱۰) پاییز ۸۵

